



Research Article

Predicting Emotional Divorce in Women Based on Communication Patterns and Self-Criticism with the Mediating Role of Sexual Function

Farideh Amani¹ , Jaffar Pouyamanesh^{2*} , Mojtaba Amiri Majd³ , Fatemeh Alijani⁴

¹ PhD Student in Counseling, Department of Counseling, Ab.C., Islamic Azad University, Abhar, Iran.

² Assistant Professor, Department of Psychology, Ab.C., Islamic Azad University, Abhar, Iran

³ Associate Professor, Department of Psychology, Ab.C., Islamic Azad University, Abhar, Iran

⁴ Assistant Professor, Department of Counseling, Ab.C., Islamic Azad University, Abhar, Iran

* **Corresponding author:** Jaffar Pouyamanesh, Assistant Professor, Psychology Department, Ab.C., Islamic Azad University, Abhar, Iran. Email: jaffar_pouyamanesh@yahoo.com

DOI: [10.61882/jams.29.2.83](https://doi.org/10.61882/jams.29.2.83)

How to Cite this Article:

Amani F, Pouyamanesh J, Amiri Majd M, Alijani F. Predicting Emotional Divorce in Women Based on Communication Patterns and Self-Criticism with the Mediating Role of Sexual Function. *J Arak Uni Med Sci.* 2026;29(2): 83- 90. DOI: [10.61882/jams.29.2.83](https://doi.org/10.61882/jams.29.2.83)

Received: 18.03.2025

Published: 31.05.2026

Keywords:

Emotional Divorce;
Communication Patterns;
Self-Criticism;
Sexual Functioning;
Women

© 2024 Arak University of Medical Sciences

Abstract

Introduction: Emotional divorce is a type of dysfunction in the family system that, while not leading to the physical separation of couples, results in a marital life lacking love, companionship, and friendship, with negative consequences for family functioning. This study aimed to predict emotional divorce based on communication patterns and self-criticism, with sexual functioning as a mediating factor.

Methods: This study was applied in purpose and correlational in nature, utilizing a path analysis design. The statistical population consisted of all married women visiting counseling centers in Tehran in 2023. From this population, 300 women were selected through random cluster sampling. Data collection tools included Gottman's Emotional Divorce Scale (1999), Heavey et al.'s Communication Patterns Questionnaire (1996), Rosen et al.'s Sexual Functioning Questionnaire (2000), and Thompson and Zuroff's Self-Criticism Scale (2004). The data were analyzed using path analysis.

Results: The results indicated that the direct effect of mutual constructive and avoidant communication patterns on sexual functioning was significant ($p < 0.05$), but the direct effect of the demand/withdraw communication pattern on sexual functioning was not significant ($P > 0.05$). The direct effect of self-criticism on sexual functioning was significant ($P < 0.05$). The direct effect of avoidant and demand/withdraw communication patterns on emotional divorce was significant ($P < 0.05$), but the direct effects of self-criticism on emotional divorce were not significant ($P > 0.05$). The mutual constructive communication pattern had no significant effect on emotional divorce ($P > 0.05$). Additionally, the results showed that sexual functioning mediated the relationship between demand/withdraw and avoidant communication patterns and emotional divorce ($P < 0.05$).

Conclusions: These findings highlight the interplay between communication styles, self-criticism, and emotional divorce, emphasizing the importance of addressing these factors in therapeutic settings.

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و خود انتقادگری با نقش میانجی‌گری عملکرد جنسی

فریده امانی^۱، جعفر پویامانش^{۲*}، مجتبی امیری مجد^۳، فاطمه علیجانی^۴

^۱ دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران

^۲ استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران

^۳ دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران

^۴ استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران

* نویسنده مسئول: جعفر پویامانش، استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران. ایمیل: jaffar_pouyamanesh@yahoo.com

DOI: 10.61882/jams.29.2.83

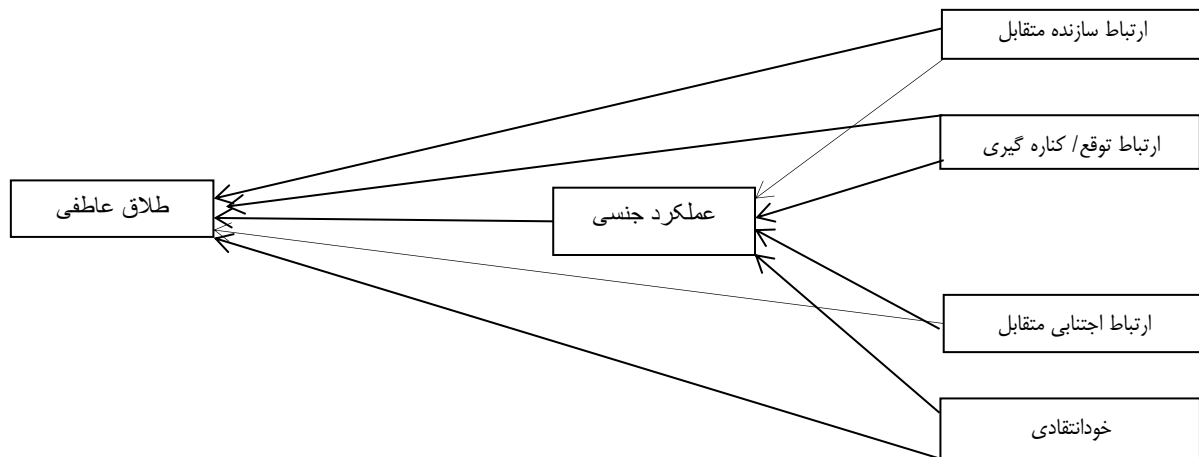
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸	چکیده
تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰	
واژگان کلیدی: طلاق عاطفی؛ الگوهای ارتباطی؛ خود انتقادگری؛ عملکرد جنسی؛ زنان	مقدمه: طلاق عاطفی، نوعی ناپهنجاری در سیستم خانواده است که اگرچه به جدایی زوجها منجر نمی‌شود، اما زندگی زناشویی آنها فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است و پیامدهای منفی برای کارکرد خانواده دارد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و خود انتقادگری با نقش میانجی‌گری عملکرد جنسی انجام شد. روش کار: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش همبستگی و طرح تحلیل مسیر بود. جامعه آماری تمامی زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود. از بین آنها، ۳۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۹)، پرسشنامه الگوهای ارتباطی هیوی و همکاران (۱۹۹۶)، پرسشنامه عملکرد جنسی روزن و همکاران (۲۰۰۰) و مقیاس خودانتقادی (تامپسون و زورف، ۲۰۰۴) بود. داده‌های پژوهش با روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد، اثر مستقیم الگوی ارتباط سازنده متقابل و اجتنابی بر عملکرد جنسی معنادار است ($P < ۰/۰۵$)، اما اثر مستقیم الگوی ارتباط ارتباط توقع/کناره‌گیری بر عملکرد جنسی معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). اثر مستقیم خودانتقادی بر عملکرد جنسی معنادار است ($P < ۰/۰۵$)، اما اثر مستقیم خودانتقادی و عملکرد جنسی بر طلاق عاطفی معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). الگوی ارتباط سازنده متقابل بر طلاق عاطفی معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). اثر مستقیم خود انتقادی بر طلاق عاطفی معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). همچنین نتایج نشان داد عملکرد جنسی بین الگوهای ارتباط توقع/کناره‌گیر و اجتنابی طلاق عاطفی نقش میانجی دارد ($P < ۰/۰۵$). نتیجه‌گیری: این یافته‌ها تعامل بین سبک‌های ارتباطی، انتقاد از خود و طلاق عاطفی را برجسته می‌کند و بر اهمیت پرداختن به این عوامل در محیط‌های درمانی تأکید می‌کند.

ارجاع: امانی فریده، پویامانش جعفر، امیری مجد مجتبی، علیجانی فاطمه. پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و خود انتقادگری با نقش میانجی‌گری عملکرد جنسی. مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک ۱۴۰۵؛ ۲۹ (۲): ۸۳-۹۰.

مقدمه

علاوه بر محدودیت‌های تحمیل شده توسط آداب و سنن فرهنگی رایج در جامعه، طلاق به عنوان یک بار اقتصادی تلقی می‌شود، زیرا هزینه‌های بالایی را برای خانواده، زوجها و جامعه به همراه دارد (۴). در نتیجه وضعیت زوج‌هایی که نمی‌توانند از رابطه زناشویی خود لذت ببرند بدتر می‌شود. علاوه بر این، در حالی که چنین زوج‌هایی ممکن است راه قانونی جدایی و طلاق رسمی را نگیرند، نارضایتی زناشویی آنها همچنان ممکن است به طلاق عاطفی یا آنچه «طلاق پنهان» می‌گویند منجر شود (۵).

ازدواج، تعهدی در کنار عشق و مسئولیت است که برای صلح، شادی و تحول روابط خانوادگی انجام می‌شود و انتخاب همسر و شروع زندگی زناشویی، نقطه عطف مهم و موفقیت فردی به حساب می‌آید (۱). ازدواج، مزیت‌های فراوانی هم برای زنان و هم برای مردان دارد (۲). برای مثال، باعث کاهش استرس، افزایش شادکامی و سایر پیامدهای مثبت در آنان می‌شود. با این وجود، وقتی ازدواج موفق نباشد، پیامدهای منفی مختلفی نیز خواهد داشت که یکی از آنها طلاق می‌باشد (۳).



شکل ۱. مدل مفهومی نقش میانجی عملکرد جنسی در رابطه بین الگوهای ارتباطی، خودانتقادی و طلاق عاطفی زنان

اساسی در موفقیت و پایداری کانون خانواده دارد (۱۰). عملکرد جنسی ارزیابی هیجانی، شناختی و ذهنی است که یک فرد از رابطه زناشویی خود دارد (۱۱). در عملکرد صحیح رابطه جنسی مشارکت لذت بخش در جهت عمیق کردن و تقویت صمیمیت و کم کردن فشارهای زندگی زناشویی اتفاق می افتد (۱۲). با توجه به این که رابطه جنسی، یکی از صمیمانه ترین و خصوصی ترین ارتباط بین زوج هاست، لذا مشکلات و کاستی های این رابطه در سایر ابعاد زندگی نیز گسترش می یابد (۱۳). در زمینه رابطه عملکرد جنسی و خیانت زناشویی پژوهش هایی منتشر شده اند.

نقش میانجی عملکرد جنسی بین الگوهای ارتباطی خودانتقادی و طلاق عاطفی در زوجین را می توان از طریق چندین عامل به هم پیوسته درک کرد. اول اینکه زوج هایی که درگیر خودانتقادی هستند ممکن است در رابطه جنسی خود نارضایتی بیشتری را تجربه کنند که منجر به کاهش عملکرد جنسی می شود. این نارضایتی می تواند ناشی از تعاملات منفی باشد که صمیمیت و ارتباط را تضعیف می کند دوم اینکه عملکرد جنسی اغلب با رضایت کلی زناشویی مرتبط است. هنگامی که عملکرد جنسی کاهش می یابد، می تواند احساس فاصله عاطفی را تشدید کند و به طلاق عاطفی کمک نماید (۱۴). سوم اینکه، طلاق عاطفی به حالتی از جدایی عاطفی از همسر اطلاق می شود که می تواند با ارتباط ضعیف و روابط جنسی نامطلوب تسریع شود. این جدایی می تواند منجر به چرخه ای شود که در آن عملکرد جنسی ضعیف ارتباطات را بیشتر بدتر می کند و طلاق عاطفی را تقویت می کند (۱۵). با توجه به بالا رفتن آمار تعارضات زناشویی و افزایش متقاضیان طلاق و انجام پژوهش های محدود در مورد پیشگیری از وقوع طلاق و نگرانی در مورد عوارض طلاق و بروز معضلات فردی و خانوادگی، انجام پژوهش حاضر ضرورت دارد. با توجه به تمهیدات یاد شده هدف پژوهش حاضر، پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و خود انتقادگری با نقش میانجی گری عملکرد جنسی بود.

روش کار

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش همبستگی و طرح تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود. به همین منظور شهر

الگوهای ارتباطی زوجین، به معنای کانال های ارتباطی که از طریق آن زن و شوهر با یکدیگر تعامل دارند. این الگوها به وفور در یک خانواده رخ می دهد و شبکه ارتباطی خانواده را تشکیل می دهند و برای حفظ صمیمیت عاطفی و جلوگیری از طلاق عاطفی بسیار مهم هستند (۶).

الگوی اجتناب متقابل: این شامل اجتناب شرکا از تعارض و درگیری عاطفی است که می تواند به فاصله عاطفی منجر شود و به طلاق عاطفی کمک کند. این نشان دهنده فقدان ارتباط مؤثر است و می تواند نارضایتی زناشویی را تشدید کند.

الگوی کناره گیری/انتظار: این اغلب منجر به نیازها و انتظارات عاطفی برآورده نشده می شود که منجر به احساس غفلت و جدایی عاطفی می شود. این می تواند به طور قابل توجهی بر ارتباط عاطفی بین شرکا تأثیر بگذارد و احتمال طلاق عاطفی را افزایش دهد (۷). الگوهای ارتباطی ناکارآمد باعث کاهش درک صحیح زوجین از یکدیگر، جلوگیری از حمایت همسران از یکدیگر، تلاش برای ارضای نیازهای یکدیگر، درک دیدگاه یکدیگر در مورد مسائل اختلافی و در نهایت ایجاد مشکلات و نارضایتی زناشویی می شود. در مقابل، الگوهای ارتباطی سالم و سازنده، یکی از مهم ترین عوامل رضایت زناشویی محسوب می شوند (۸).

خودانتقادی، موجب می شود که فرد عملکرد خود را ناقص بداند و معیارهای غیرقابل دستیابی برای خود تعریف کند، به گونه ای که در نهایت به دوری کردن از شبکه های اجتماعی منجر می شود (۹). یافته های محققان نشان می دهد افراد خودانتقاد دارای مشخصه های احساس بی ارزشی، احساس گناه و شکست ناشی شده اند. انتقاد از خود می تواند منجر به افزایش ناراحتی عاطفی شود که پیش بینی کننده طلاق عاطفی است. تحقیقات نشان می دهد که افرادی که در سطوح بالایی از خود انتقاد می کنند اغلب احساس بی کفایتی و عزت نفس پایین را تجربه می کنند که می تواند روابط زناشویی را مختل کند. علاوه بر این، انتقاد از خود می تواند به حالات عاطفی منفی مانند افسردگی و اضطراب که با طلاق عاطفی مرتبط است، کمک کند (۴).

از دیگر عوامل رضایت زناشویی چگونگی عملکرد جنسی در روابط زناشویی است. در یک ازدواج سالم، وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند موجب تأمین رضایت زناشویی طرفین شود نقش بسیار مهم و

Heavey (۲۰) و پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ از ۰/۵۰ تا ۰/۷۸ گزارش نموده‌اند. در پژوهش Asadi و همکاران پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای الگوی ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل، توقع زن/کناره گیر مرد، توقع مرد/کناره گیر زن و توقع کناره گیر کل به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۵۰، ۰/۵۰، ۰/۷۵ و ۰/۵۶ محاسبه شد (۲۱). در پژوهش حاضر، پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای الگوی ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل، توقع زن/کناره گیر مرد، توقع مرد/کناره گیر زن و توقع کناره گیر به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۷۵، ۰/۷۰ و ۰/۷۶ بدست آمد.

پرسشنامه عملکرد جنسی (FSFI): این مقیاس را Rosen و همکاران، طراحی کردند و با ۱۹ پرسش، عملکرد جنسی را در شش حوزه (میل، تحریک روانی، رطوبت، ارگاسم، رضایت‌مندی و درد جنسی) می‌سنجد (۲۲). بر اساس مقیاس شش درجه‌ای (از ۰ = تقریباً هیچ، = برخی اوقات، ۳ = بیشتر اوقات، ۱ = تقریباً همیشه، نمره‌گذاری شده است. با جمع نمرات شش حوزه (جمع درجه‌ها و تقسیم آنها بر تعداد گویه‌های آن) با هم نمره کل مقیاس به دست می‌آید و نمره بیشتر نشان‌دهنده کارکرد بهتر جنسی است. نقطه برش به ترتیب برای میل ۳/۳، تحریک روانی ۴/۳، ارگاسم، ۴/۳، رطوبت، ۳/۴، میل رضایت‌مندی ۸/۳، درد جنسی ۳/۸ بود. به عبارت دیگر نمرات بیشتر از نقطه برش مبین عملکرد خوب است و درجه بالایی از همسانی درونی و پایایی را نشان داده است.

در مطالعه Rosen و همکاران، پایایی بازآزمایی کل مقیاس ۰/۸۸ و برای زیر مقیاس‌ها از ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ گزارش شده است (۲۲). این پرسشنامه را محمدی و همکاران در ایران هنجاریابی کردند (۲۳). بر اساس این مطالعه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و ۶ مؤلفه آن بین ۰/۶۳-۰/۷۳ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر ۰/۹۴ به دست آمد.

مقیاس خودانتقادی: این مقیاس توسط Zuroff و Thompson طراحی گردید و روایی و پایایی آن مشخص شده است. این مقیاس ۲۲ گویه دارد و دو مؤلفه خودانتقادی مقایسه‌ای شامل ۱۲ گویه و خودانتقادی درونی شامل ۱۰ گویه را مورد سنجش قرار می‌دهد (۲۴). این مقیاس در طیف لیکرت و به صورت ۰ تا ۶ نمره‌گذاری می‌شود. Thompson و Zuroff روایی و پایایی مقیاس سطوح خودانتقادی را با اجرا بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۴۴ دانشجو برآورد کرده‌اند (۲۴). تحلیل عوامل مقیاس گویای دو عامل خودانتقادی مقایسه‌ای و خودانتقادی درونی بود. همچنین بین خرده مقیاس‌ها با خرده مقیاس روان‌رنجور خویی پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی رابطه معناداری وجود داشت (۲۵). Yamaguchi و Kim نیز در مطالعه خود ضریب پایایی برای مؤلفه‌های خودانتقادی مقایسه‌ای و خودانتقادی درونی و کل آزمون بر اساس آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۲ و ۰/۹۰ به دست آوردند (۲۶). در ایران پژوهش Mousavi و Ghorbani روایی و پایایی مقیاس سطوح انتقادی با روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس خودانتقادی درونی ۰/۸۷ و مقایسه‌ای ۰/۵۵ را به دست آورده است. آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش حاضر برای متغیر خودانتقادی درونی ۰/۸۴، متغیر خودانتقادی مقایسه‌ای ۰/۶۰ و متغیر خودانتقادی کل ۰/۸۳ می‌باشد (۲۷).

تهران از لحاظ جغرافیایی به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم‌بندی شد. سپس در هر منطقه ۵ مرکز مشاوره به صورت کاملاً تصادفی انتخاب و در هر مرکز ۱۲ مورد به صورت تصادفی انتخاب شد. برای آنکه کفایت نمونه‌گیری حاصل شود و با احتمال نقص در پاسخگویی به پرسشنامه‌ها و وجود داده‌های پرت، پرسشنامه‌ها بین ۳۳۰ نمونه توزیع شد. از این تعداد ۳۰ پرسشنامه به دلیل وجود داده‌های گمشده، از تحلیل کنار گذاشته شد و تحلیل داده‌ها با ۳۰۰ پرسشنامه انجام شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱- مصرف نکردن داروهای روانپزشکی طی شش ماه گذشته، ۲- قرار نداشتن در فرایند طلاق قانونی، ۳- مطلقه نبودن، ۴- سطح تحصیلات حداقل دیپلم، ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از: ۱- شرکت همزمان در برنامه مداخله‌ای دیگر (مانند زوج‌درمانی)، ۲- پاسخ ندادن به سؤالات پرسشنامه‌ها به‌طور کامل. برای تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد و بخش آمار استنباطی برای بررسی مدل مفهومی پژوهش از تحلیل مسیر استفاده شد. به دلیل اینکه داده‌ها نرمال نبودند، از نرم‌افزار Smart PLS نسخه ۳/۳ برای تحلیل استفاده شد.

ابزار پژوهش

مقیاس طلاق عاطفی: در سال ۲۰۱۷ توسط محمدی (۱۶) ساخته شد. مقیاس تک عاملی بوده و دارای ۳۶ عبارت به شکل ۵ لیکرت است. حداقل نمره کسب شده توسط پاسخگو، صفر و حداکثر آن نیز ۳۶ می‌باشد. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنان چه تعداد آن برابر ۸ و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی- مشهود است. روایی سازه این پرسشنامه را با روش تحلیل عاملی بررسی کرد و نشان داد که بارهای عاملی همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۴۰ است. همچنین پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش کرد. در پژوهش Mousavi و همکاران، نتایج نشان داد، بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار دارد (۱۷). پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ به میزان ۰/۹۳ محاسبه گردید. در پژوهش Pourhosein و Bidast، پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ «پرسشنامه طلاق عاطفی» ۰/۹۳ محاسبه شد (۱۸). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۹۲ به دست آمد.

پرسشنامه الگوی ارتباطی (CPQ): این پرسشنامه دارای ۳۵ سؤال است و توسط Heavey و همکاران ساخته شد (۱۹). زوج‌ها سؤالات را بر روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت که از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) تنظیم شده، درجه‌بندی می‌کنند. این پرسشنامه از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: الف) ارتباط سازنده متقابل، ب) ارتباط اجتناب متقابل، ج) ارتباط کناره‌گیر/توقع. نمره بالا در مقیاس سازنده متقابل، بیانگر ارتباط مناسب است، اما نمره بالا در دو مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیر و اجتناب متقابل، نشان‌دهنده ارتباط نامناسب است. Heavey و همکاران، روای ملاکی و روایی سازه را برای خرده مقیاس الگوی ارتباط سازنده متقابل محاسبه نمودند. آنها ضریب همبستگی بین نمرات این مقیاس را با نمره‌گذاری حاصل از مشاهده زوج‌ها در آزمایشگاه به هنگام بحث درباره مشکل ارتباطی، ۰/۷۲ گزارش کردند. Christensen و

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر و دارای کد اخلاق به شناسه IR.IAU.ABHAR.REC.1402.005 از کمیته اخلاق پژوهش آن دانشگاه است. معیارهای اخلاقی شامل کسب کد اخلاق از کمیته اخلاق در دانشگاه، اخذ رضایت از شرکت کنندگان به منظور توزیع پرسشنامه و اجرای آموزشهای مربوطه، رعایت صداقت و امانت داری علمی، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، رعایت حق بی‌نام بودن مقیاس‌ها و ناشناس ماندن شرکت کنندگان و محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد و شواهد نرمالیتی و نبود رابطه خطی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

نتایج آزمون داگوستینو در جدول ۱ حاکی از آن است که الگوهای ارتباطی دارای توزیع نرمال نیستند ($P < 0.05$)، اما خودانتقادی،

عملکرد جنسی و طلاق عاطفی دارای توزیع نرمال هستند ($P > 0.05$). بررسی نبود رابطه‌ی هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین در جدول ۱ حاکی از آن است که بین متغیرهای پیش‌بین پژوهش حاضر رابطه‌ی هم‌خطی وجود ندارد. زیرا مقدار شاخص اغماض بالا است (هرچه قدر مقدار این شاخص به ۱ نزدیک باشد، نشان‌دهنده‌ی نبود رابطه هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین می‌باشد). مقدار VIF نیز مطلوب و حاکی از نبود رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین است (هرچه این شاخص از عدد ۲ بزرگتر باشد، میزان هم‌خطی بیشتر است). مقادیر شاخص وضعیت نیز حاکی از نبود رابطه‌ی هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین است (زمانی که مقدار این شاخص بزرگتر از ۳۰ باشد، نشان می‌دهد که رابطه‌ی هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین وجود دارد).

همانطور که نتایج همبستگی در جدول ۲ نشان می‌دهد بین الگوهای ارتباطی، خود انتقادی، عملکرد جنسی رابطه معنادار وجود دارد ($P < 0.05$). بین الگوهای ارتباطی و خودانتقادی با عملکرد جنسی نیز رابطه معنادار است ($P < 0.05$).

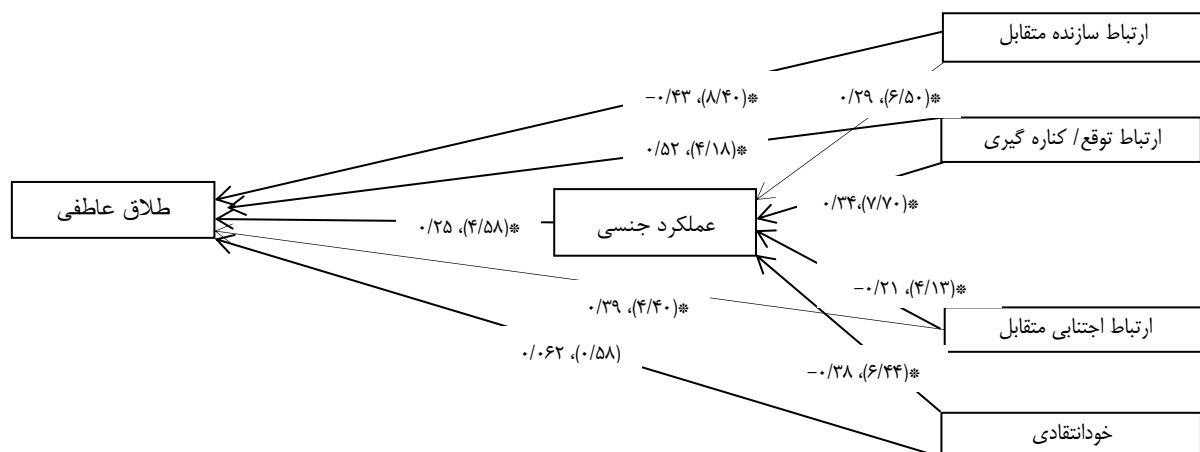
جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد و شواهد نرمالیتی و نبود رابطه خطی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار اغماض	VIF	شاخص وضعیت	داگوستینو K^2	داگوستینو K^2
ارتباط سازنده متقابل	۱۱/۵۷	۶/۶۹	۰/۹۲	۰/۳۸۸	۳/۰۱	۴/۳۳	۰/۰۲
ارتباط توقع/کناره‌گیری	۳۴/۹۱	۸/۱۴	۰/۹۸	۰/۰۷	۷/۰۸	۵/۶۷	۰/۰۰
ارتباط اجتنابی متقابل	۱۱/۱۶	۶/۴۳	۰/۹۶	۰/۰۲	۱۳/۵۲	۷/۸۷	۰/۰۰
خود انتقادی	۸۲/۸۰	۱۶/۷۰	۱	۰/۰۲	۱۰/۰۳	۱/۹۹	۰/۴۸
عملکرد جنسی	۶۷/۷۱	۱۶/۶۶	۱	۰/۰۲۹	۸/۲۶	۱/۲۱	۰/۳۵
نمره کل طلاق عاطفی	۲۳/۳۰	۱۵/۱۳	-	-	-	۱/۲۸	۰/۵۵

جدول ۲. نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱ ارتباط سازنده متقابل	۱					
۲ ارتباط توقع/کناره‌گیری	-۰/۲۴	۱				
۳ ارتباط اجتنابی متقابل	-۰/۵۲*	-۰/۴۶**	۱			
۴ خودانتقادی	-۰/۳۴*	۰/۲۳*	۰/۲۸*	۱		
۵ عملکرد جنسی	۰/۳۱*	-۰/۳۶*	-۰/۲۵*	-۰/۴۹*	۱	
۶ طلاق عاطفی	-۰/۵۲*	۰/۷۰*	۰/۴۷*	۰/۱۹*	-۰/۴۹	۱

* $P < 0.05$ ، ** $P < 0.01$



شکل ۲. مدل برازش نقش میانجی عملکرد جنسی در رابطه بین الگوهای ارتباطی، خودانتقادی و طلاق عاطفی زنان. (*: $P < 0.05$)

جدول ۳. اثر الگوهای ارتباطی، خودانتقادی بر طلاق عاطفی با نقش میانجی عملکرد جنسی

مسیر	β	T	P
ارتباط سازنده متقابل $\leftarrow$ عملکرد جنسی	۰/۲۹	۶/۵۰	۰/۰۰۰۱
ارتباط توقع/کناره‌گیری $\leftarrow$ عملکرد جنسی	-۰/۳۴	۷/۷۰	۰/۰۰۰۱
ارتباط اجتنابی متقابل $\leftarrow$ عملکرد جنسی	-۰/۲۱	۴/۱۳	۰/۰۰۰۱
خودانتقادی $\leftarrow$ عملکرد جنسی	-۰/۳۸	۶/۴۴	۰/۰۰۰۱
ارتباط سازنده متقابل $\leftarrow$ طلاق عاطفی	-۰/۴۳	۸/۴۰	۰/۰۰۰۱
ارتباط توقع/کناره‌گیری $\leftarrow$ طلاق عاطفی	۰/۵۲	۴/۱۸	۰/۰۰۰۱
ارتباط اجتنابی متقابل $\leftarrow$ طلاق عاطفی	۰/۳۹	۴/۴۰	۰/۰۰۰۱
خودانتقادی $\leftarrow$ طلاق عاطفی	۰/۰۶	۰/۵۸	۰/۱۱
عملکرد جنسی $\leftarrow$ طلاق عاطفی	۰/۲۵	۴/۵۸	۰/۰۰۰۱
اثرات غیر مستقیم الگوهای ارتباطی بر طلاق عاطفی با میانجی‌گری عملکرد جنسی			
ارتباط سازنده متقابل $\leftarrow$ عملکرد جنسی $\leftarrow$ طلاق عاطفی	-۰/۰۵	۰/۶۵	۰/۱۷
ارتباط توقع/کناره‌گیری $\leftarrow$ عملکرد جنسی $\leftarrow$ طلاق عاطفی	۰/۲۰	۳/۲۷	۰/۰۰۰۱
ارتباط اجتنابی متقابل $\leftarrow$ عملکرد جنسی $\leftarrow$ طلاق عاطفی	۰/۲۴	۴/۶۳	۰/۰۰۰۱
خودانتقادی $\leftarrow$ عملکرد جنسی $\leftarrow$ طلاق عاطفی	۰/۱۰	۰/۳۲	۰/۴۰

جنسی معنادار است. اثر مستقیم خودانتقادی بر عملکرد جنسی معنادار است. اثر مستقیم الگوی ارتباط اجتنابی و ارتباط توقع/کناره‌گیری بر طلاق عاطفی معنادار است؛ اما اثر مستقیم خودانتقادی و عمل طلاق عاطفی معنادار بود.

در تبیین اثر مستقیم الگوی ارتباط سازنده متقابل و اجتنابی و کناره‌گیر بر طلاق عاطفی می‌توان گفت: سبک ارتباط اجتنابی اغلب منجر به قطع ارتباط عاطفی و درگیری‌های حل نشده بین شرکا می‌شود. افرادی که از بحث در مورد مسائل اجتناب می‌کنند، ممکن است احساس انزوا و نارضایتی بیشتری را تجربه کنند که می‌تواند به طلاق عاطفی کمک نماید. مطالعات نشان دادند که الگوهای ارتباط اجتنابی با سطوح بالاتر فاصله عاطفی و رضایت کمتر از رابطه مرتبط است. در مقابل، ارتباط سازنده صمیمیت عاطفی و حل مؤثر تعارض را تقویت می‌کند. زوج‌هایی که در گفتگوی باز و حملیت‌کننده شرکت می‌کنند، احتمالاً یک ارتباط عاطفی قوی را حفظ نموده و احتمال طلاق عاطفی را کاهش می‌دهند. سبک‌های ارتباطی ناکارآمد به طور قابل توجهی به طلاق عاطفی کمک می‌کنند و باعث قطع ارتباط و انتظارات برآورده نشده می‌شوند وقتی شرکای انتظارات زیادی دارند اما درگیر ارتباط کناره‌گیری می‌شوند، می‌توانند منجر به ناامیدی شوند. این پویایی باعث ایجاد نارضایتی و قطع ارتباط عاطفی می‌شود که از عوامل مهم طلاق عاطفی هستند (۲۹).

در تبیین اثر مستقیم الگوی ارتباط سازنده متقابل و اجتنابی و کناره‌گیر بر عملکرد جنسی می‌توان گفت تأثیر مستقیم الگوهای ارتباط سازنده و اجتنابی بر عملکرد جنسی به دلیل تأثیر آنها بر پویایی روابط و رضایت جنسی معنادار است. ارتباط سازنده باعث افزایش رضایت جنسی می‌شود که به نوبه خود بر رضایت زناشویی تأثیر مثبت می‌گذارد. زوج‌هایی که به طور مؤثر ارتباط برقرار می‌کنند تمایل دارند روابط جنسی بهتری را تجربه کنند که منجر به بهبود کیفیت کلی رابطه می‌شود (۳۰). برعکس، الگوهای ارتباطی اجتنابی می‌تواند منجر به کاهش رضایت از رابطه و عملکرد جنسی شود. مطالعات نشان می‌دهد که سطوح بالاتر ارتباط اجتنابی با کاهش رضایت جنسی و صمیمیت ارتباط دارد و بر عملکرد جنسی تأثیر منفی می‌گذارد (۲۹، ۳۱).

همان‌طور که نتایج شکل ۲ و جدول ۳ نشان می‌دهد، اثر مستقیم الگوی ارتباط سازنده متقابل و اجتنابی بر عملکرد جنسی معنادار است ($P < 0/05$)، اما اثر مستقیم الگوی ارتباط ارتباط توقع/کناره‌گیری بر عملکرد جنسی معنادار نیست ($P > 0/05$). اثر مستقیم خودانتقادی بر عملکرد جنسی معنادار است ($P < 0/05$)، اثر مستقیم الگوی ارتباط اجتنابی و ارتباط توقع/کناره‌گیری بر طلاق عاطفی معنادار است ($P < 0/05$)، اما اثر مستقیم خودانتقادی بر طلاق عاطفی معنادار نیست ($P > 0/05$). الگوی ارتباط سازنده متقابل بر طلاق عاطفی معنادار نیست ($P > 0/05$). اثر مستقیم خود انتقادی و عملکرد جنسی بر طلاق عاطفی معنادار نیست ($P > 0/05$). همچنین نتایج نشان داد عملکرد جنسی بین الگوهای ارتباط توقع/کناره‌گیر و اجتنابی طلاق عاطفی نقش میانجی دارد ($P < 0/05$).

در مورد نیکویی برازش مدل، اگرچه در ادبیات نظری برای شاخص‌های مذکور استاندارد مطلق وجود ندارد، اما شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (NFI (Normed Fit Index)، مساوی یا کمتر از ۰/۰۸، شاخص تناسب هنجار (NFI (Normed Fit Index)، مساوی یا بیشتر از ۰/۹ و شاخص و قابل قبول هستند (۳۷). در پژوهش حاضر مقادیر به دست آمده از شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده، برابر ۰/۰۱ و شاخص تناسب هنجار، برابر ۱ بدست آمد که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است. علاوه بر شاخص‌های مذکور شاخص نیکویی برازش مدل (GOF (Goodness-of-Fit استفاده شد. این شاخص سازش بین کیفیت مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری شده را نشان می‌دهد که در پژوهش حاضر ۰/۵۸ محاسبه گردید. بالا بودن شاخص مقدار نیکویی برازش از ۰/۳۶ برازش مطلوب مدل را نشان می‌دهد. مقدار این شاخص برازش در پژوهش حاضر برابر ۰/۵۸ شده است و از مقدار ۰/۳۶ بزرگتر شده است و نشان از برازش مناسب مدل دارد.

بحث

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و خود انتقادگری با نقش میانجی‌گری عملکرد جنسی انجام شد. نتایج نشان داد، اثر مستقیم الگوی ارتباط سازنده متقابل و اجتنابی بر عملکرد

ممکن است نتایج را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا علل طلاق عاطفی می‌تواند به طور قابل توجهی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد و به طور بالقوه بر کاربرد یافته‌ها در سایر محیط‌ها تأثیر بگذارد.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که الگوهای ارتباطی ناکارآمد، هم عملکرد جنسی را کاهش می‌دهند و هم از طریق آن، طلاق عاطفی را افزایش می‌دهند. خودانتقادی نیز عملکرد جنسی را کم می‌کند اما تأثیر مستقلی بر طلاق عاطفی ندارد. به طور کلی، مسیر تأثیر الگوهای مخرب ارتباطی بر طلاق عاطفی عمدتاً از طریق افت عملکرد جنسی است، در حالی که خودانتقادی و عملکرد جنسی به تنهایی نمی‌توانند طلاق عاطفی را مستقیماً پیش‌بینی کنند و نقش میانجی عملکرد جنسی در این رابطه کاملاً مشهود است.

پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده شامل نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تری از زنان در مناطق مختلف جغرافیایی باشند تا نتایج قابل تعمیم‌تری به دست آید. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای زنان در زمینه الگوهای ارتباطی و خودانتقادی و عملکرد جنسی می‌تواند به افزایش آگاهی و بهبود روابط زناشویی کمک کند. این دوره‌ها می‌توانند بر روی الگوهای ارتباطی و خودانتقادی تمرکز کنند. از آنجایی که نتایج نشان داد الگوهای ارتباطی با طلاق عاطفی معنادار است، ایجاد برنامه‌های حمایتی و مشاوره‌ای برای زنان به منظور تقویت الگوهای ارتباطی سازنده می‌تواند به پیشگیری یا کاهش طلاق عاطفی کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل مشاوره‌های فردی و گروهی باشند.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان صبورانه در این پژوهش یاری رساندند، سپاس‌گزاری می‌شود.

سهم نویسندگان

همه نویسندگان مقاله در طراحی مطالعه، تدوین، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تفسیر نتایج نسخه پیش‌نویس و دست‌نویس مقاله همکاری داشته و آن را خوانده و تأیید کرده‌اند و مسؤولیت پاسخگویی در مقابل کلیه جنبه‌های انجام پژوهش را می‌پذیرند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچگونه تعارض منافعی در انتشار این مطالعه ندارند.

انتقاد از خود بر عملکرد جنسی می‌تواند رابطه داشته باشد زیرا انتقاد از خود می‌تواند منجر به ادراک منفی از خود و کاهش عزت نفس شود که ممکن است عملکرد جنسی را مختل کند. افرادی که به شدت از خود انتقاد می‌کنند اغلب اضطراب و استرس را تجربه می‌کنند که می‌تواند بر تجربیات جنسی آنها تأثیر منفی بگذارد (۳۲). نشان داده شده است که خودانتقادی رابطه بین عوامل روانشناختی مختلف مانند ترس از ارزیابی منفی و اضطراب اجتماعی را واسطه می‌کند. این نشان می‌دهد که انتقاد از خود می‌تواند بر نحوه درک و مشارکت افراد در موقعیت‌های جنسی تأثیر بگذارد و به طور بالقوه منجر به کاهش عملکرد شود. انتقاد از خود بر عملکرد جنسی از طریق تأثیر آن بر عزت نفس، اضطراب و مکانیسم‌های مقابله‌ای تأثیر منفی می‌گذارد و اهمیت پرداختن به تمایلات خودانتقادی در محیط‌های درمانی را برجسته می‌کند.

اثرات غیرمستقیم الگوهای ارتباطی، به ویژه اجتناب و کناره‌گیری، بر طلاق عاطفی از طریق عملکرد جنسی به شرح زیر قابل تبیین هستند. الگوهای ارتباطی و رضایت از رابطه: الگوهای ارتباطی اجتنابی و کناره‌گیری می‌تواند منجر به رضایت کمتر از رابطه شود. این الگوها اغلب منجر به ارتباطات سازنده کمتری می‌شود که می‌تواند فاصله عاطفی بین شرکا ایجاد کند. ارتباط ضعیف می‌تواند بر عملکرد جنسی تأثیر منفی بگذارد. هنگامی که شرکاء به طور مؤثر ارتباط برقرار نمی‌کنند، می‌تواند منجر به سوء تفاهم و نیازهای جنسی برآورده نشده شود و به اختلال عملکرد جنسی کمک کند (۳۱). اختلال در عملکرد جنسی، ناشی از ارتباط ناکارآمد، می‌تواند منجر به طلاق عاطفی شود. زوج‌ها ممکن است از نظر جسمی در کنار هم بمانند اما فقدان صمیمیت عاطفی را تجربه کنند که جزء کلیدی یک رابطه سالم است (۱۴). الگوهای ارتباطی ناکارآمد می‌تواند چرخه‌ای از نارضایتی ایجاد کند که بر عملکرد جنسی تأثیر می‌گذارد و در نهایت به طلاق عاطفی کمک می‌کند.

این مطالعه صرفاً بر زنان متاهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران متمرکز است که ممکن است جمعیت وسیع‌تری از افراد متاهل را نشان ندهند. این امر تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به سایر جمعیت‌شناسی یا مناطق محدود می‌کند. طراحی همبستگی و تحلیل مسیر اجازه استنتاج علی را نمی‌دهد. روابط مشاهده شده ممکن است تحت تأثیر سایر متغیرهای اندازه‌گیری نشده یا علیت معکوس قرار گیرند. تکیه بر پرسشنامه‌های خود گزارشی می‌تواند سوگیری‌هایی را ایجاد کند، زیرا شرکت‌کنندگان ممکن است به روش‌های مطلوب اجتماعی پاسخ دهند یا تجربیات خود را به طور دقیق منعکس نکنند. یافته‌ها ممکن است متأثر از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی خاص جامعه ایرانی باشد که ممکن است در سایر زمینه‌های فرهنگی قابل اجرا نباشد. زمینه فرهنگی مطالعه

References

- Sanctuary G. Marriage under stress: a comparative study of marriage conciliation. New York: Routledge; 2023.
- Pincus L. Marriage: Studies in emotional conflict and growth. New York: Taylor & Francis; 2023.
- Parkinson L. Conciliation in separation and divorce: Finding common ground. New York: Routledge; 2023.
- Al-Shahrani HF, Hammad MA. Relationship between emotional divorce and alexithymia among married women in Saudi Arabia. BMC Psychol. 2023;11(1):217. [doi:10.1186/s40359-023-01236-w](https://doi.org/10.1186/s40359-023-01236-w)
- Damo DD, Cenci CMB. Emotional divorce: similarities and differences according to the position occupied. Trends in Psychology. 2021;29(3):505-18. [doi:10.1007/s43076-021-00088-w](https://doi.org/10.1007/s43076-021-00088-w)
- McKie C. Divorce, an overview. Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research. 2024:1859-61. [doi:10.1007/978-3-031-17299-1_768](https://doi.org/10.1007/978-3-031-17299-1_768)

7. Dargahi S, Ayadi N, Khabazi M. Causal Relationships of Differentiation, Latent Communicative Aggression, and Emotional Divorce in Conflicting Women with the Mediating Role of Marital Conflict [in Persian]. *Iranian Journal of Family Psychology*. 2024;11(1):48-61. doi: 10.22034/ijfp.2024.2028681.1317
8. Halim S, Jaffar MN, Yanti ER. The communication patterns of husband and wife couples in resolving household conflicts: Islamic family law perspectives. *KARSA Journal of Social and Islamic Culture*. 2024;32(1):33-71. doi:10.19105/karsa.v32i1.13280
9. Fearn M, Marino C, Spada MM, Kolubinski DC. Self-critical rumination and associated metacognitions as mediators of the relationship between perfectionism and self-esteem. *J Ration Emot Cogn Behav Ther*. 2022;40(1):155-74. PMID: 34177104 doi:10.1007/s10942-021-00404-4
10. Peixoto MM, Lopes J. Sexual functioning beliefs, sexual satisfaction, and sexual functioning in women: a cross-sectional mediation analysis. *J Sex Med. Medicine*. 2023;20(2):170-6.
11. Beltran-Arreche M, Fullana Noell J, Pallisera Díaz M. Perspectives of women with intellectual disabilities regarding affective sexual relationships: A systematic literature review. *Sex Res Soc Policy*. 2024;21(1):263-78. doi:10.1007/s13178-023-00911-2
12. Girma Shifaw Z. Marital communication as moderators of the relationship between marital conflict resolution and marital satisfaction. *Am J Fam Ther*. 2024;52(3):249-60. doi:10.1080/01926187.2022.2089404
13. Galati MCR, Hollist CS, do Egito JHT, Osório AAC, Parra GR, Neu C, et al. Sexual dysfunction, depression, and marital dissatisfaction among Brazilian couples. *J Sex Med*. 2023;20(3):260-8. PMID: 36763940 doi:10.1093/jsxmed/qdac004
14. Daneshfar F, Keramat A. Sexual dysfunction and divorce in Iran: A systematic review. *J Family Med Prim Care*. 2023;12(3):430-9. PMID: 37122645 doi:10.4103/jfmpc.jfmpc_991_22
15. Khosravi F, Jamali J, Didehban E, Norouzi Z. The Moderating Effect of Gender Role in Relationship Between Emotional Divorce and Marital Satisfaction: Comparison of Partial Least Square (PLS) and Consistent Partial Least Square Methods (PLSc) Methods. *J Family Reprod Health*. 2024;18(3):188. PMID: 39439732 doi:10.18502/jfrh.v18i3.16661
16. Mohammadi Kh, Heydari M, Faghihzadeh S. The Female Sexual Function Index (FSFI): validation of the Iranian version [in Persian]. *Payesh*. 2008;7(3):269-78.
17. Mousavi Khorami Z, Dokanehi Fard F, Khakpour R. Model of Emotional Divorce Based on the Components of Early Maladaptive Schemas and Attachment Styles with Emotional Intelligence Mediation [in Persian]. *Islamic Lifestyle with a Focus on Health*. 2020;4(3):63-74.
18. Pourhossein R, Bidest F. Validity test of the emotional divorce test [in Persian]. *Rooyesh*. 2014;8:27-38.
19. Heavey CL, Larson BM, Zumbobel DC, Christensen A. The Communication Patterns Questionnaire: The reliability and validity of a constructive communication subscale. *Journal of Marriage and the Family*. 1996;85(3):796-800. doi:10.2307/353737
20. Christensen A, Heavey CL. Gender and social structure in the demand/withdraw pattern of marital conflict. *J Pers Soc Psychol*. 1990;59(1):73-81. PMID: 2213491 doi: 10.1037//0022-3514.59.1.73
21. Asadi M, Nazari AM, Sanai B. The Effectiveness of Satir Brief Family Therapy On The Couple Communication Patterns [in Persian]. *Journal Title*. 2009;3(1):65-76.
22. Rosen R, Brown C, Heiman J, Leiblum S, Meston C, Shabsigh R, et al. The Female Sexual Function Index (FSFI): a multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *J Sex Marital Ther*. 2000;26(2):191-208. PMID: 10782451 doi: 10.1080/009262300278597
23. Thompson R, Zuroff DC. The Levels of Self-Criticism Scale: Comparative self-criticism and internalized self-criticism. *Pers Individ Dif*. 2004;36(2):419-30. doi:10.1016/S0191-8869(03)00106-5
24. Shariati M, Hamid N, Hashemi ShaykhShabani E, Beshlideh K, Marashi A. The effectiveness of compassion focused therapy on depression and self criticism of female university students [in Persian]. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 2016;17(1):43-50.
25. Yamaguchi A, Kim M-S. Effects of self-criticism and its relationship with depression across cultures. *International Journal of Psychological Studies*. 2013;5(1):1. doi:10.5539/ijps.v5n1p1
26. Mousavi AS, Ghorbani N. Self-knowledge, self-criticism and mental health [in Persian]. *Psychological Studies*. 2006;2(3-4):75-91.
27. Henseler J, Sarstedt M. Goodness-of-fit indices for partial least squares path modeling. *Comput Stat*. 2013;28:565-80. doi:10.1007/s00180-012-0317-1
28. Mam Salehi H, Moradi O, Arefi M, Yar Ahmadi Y. The relationship between sex schemas and sexual satisfaction of couples: the mediating role of communication patterns. *Journal of Health and Care*. 2019;21(3):242-51. doi:10.29252/jhc.21.3.242
29. Litzinger S, Gordon KC. Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *J Sex Marital Ther*. 2005;31(5):409-24. PMID: 16169824 doi:10.1080/00926230591006719
30. Robins-on-Keilig RA. Secondary traumatic stress and disruptions to interpersonal functioning among mental health therapists. *J Interpers Violence*. 2014;29(8):1477-96. PMID: 24288190 doi:10.1177/0886260513507135
31. Lassri D, Luyten P, Fonagy P, Shahar G. Undetected scars? Self-criticism, attachment, and romantic relationships among otherwise well-functioning childhood sexual abuse survivors. *Psychol Trauma*. 2018;10(1):121-9. PMID: 28447814 doi:10.1037/tra0000271